کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی نوجوانان دچار اعتیاد و نوجوانان عادی

احمد حیدرنیا*، امیر چرخیان**

طرح مسأله: *در پژوهش‌ها از زوایای مختلف به تاثیرات خانواده بر اعتیاد فرزندان پرداخته شده است. تحقیق کنونی به بررسی کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی در نوجوانان دچار اعتیاد و مقایسهٔ آن با نوجوانان عادی پرداخته است.*

روش تحقیق: *جامعهٔ آماری این پژوهش نوجوانان مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران می‌باشند که از بین آن‌ها ۳۰ نوجوان انتخاب و پس از جلب رضایت آن‌ها، پرسش‌نامه‌ها جهت تکمیل در اختیار آن‌ها قرار داده شد. تعداد ۳۰ نفر نوجوان غیرمعتاد نیز با رعایت همتاسازی از بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران انتخاب گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامهٔ کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی استفاده شد.*

یافته‌ها و نتایج: *نتایج به دست آمده نشان داد که کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی در نوجوانان خانواده‌های عادی در تمامی ابعاد رابطه، بهتر از نوجوانان دچار اعتیاد می‌باشد. کیفیت رابطه با پدر نوجوانان عادی در تمامی ابعاد رابطه بهتر از کیفیت رابطه با پدر نوجوانان دچار اعتیاد می‌باشد. کیفیت رابطه با مادر نوجوانان خانواده‌های عادی نیز جز در خرده مقیاس سردرگمی نقش، بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دچار اعتیاد می‌باشد. بین کیفیت رابطه با پدر و مادر نوجوانان خانواده‌های عادی تفاوت معناداری مشاهد نشد اما نوجوانان دارای اعتیاد کیفیت رابطه با مادرشان به گونهٔ معناداری بهتر از کیفیت رابطه با پدرشان بود (سطح معنا داری ۰/۰۵ ≤ p در نظر گرفته شده بود).*

کلید واژه‌ها: اعتیاد، کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی، نوجوان

تاریخ دریافت: ۸۵/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۸۶/۲/۱

* کارشناس ارشد مشاورهٔ خانواده <heydarnia_55@yahoo.com>

** دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مقدمه

با نگاهی واقع بینانه به مسالهٔ اعتیاد به مواد و سوء مصرف آن، به راحتی درمی‌یابیم که سوء مصرف مواد افیونی از قرن‌ها پیش وجود داشته و اکنون نیز تقریباً کشوری وجود ندارد که از گسترش سوء مصرف این گونه مواد در امان مانده باشد. اگر چه از دیر باز در تمام جوامع بشری سوء مصرف مواد افیونی به عنوان عادتی غیر اجتماعی و نامقبول تلقّی شده است، اما با وجود این عدم مقبولیت، طبقات مختلف اجتماع با این مسأله به صورت جدی درگیر می باشند به طوری که هم اکنون مردان و زنان زیادی، خصوصاً از سنین نوجوانی تا میانسالی مواد مخدر مصرف می‌کنند و بدان وابسته شده‌اند.

خانواده، این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. در واقع هر خانواده را باید خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزش‌های مورد احترام و شالودهٔ مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی دانست. همچنین خانواده مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط خویشاوندی، و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب می‌آید.

۱) بیان مسأله

خانواده در میان مجموع علل گوناگونی که در موضوع اعتیاد به مواد مخدر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته دارای نقش برجسته‌ای می‌باشد. به عبارت روشن‌تر، مسألهٔ اعتیاد، مربوط به نوع خانواده، ارتباط عملکردهای ویژهٔ آن، تاریخچه منحصر به فرد آن و نیز ساختار ارتباطی و ارزش‌های حاکم در آن می‌باشد. خانواده هم در پیدایش و هم در تداوم اعتیاد به مواد مخدر دارای نقش اساسی است؛ یعنی خانواده، خود جزئی اساسی از این بیماری است و بدون آن این بیماری اساساً بروز نمی‌کند. بنابراین در درمان این عارضه نیز نباید به هیچ وجه روندهای رشدی در خانواده را از نظر دور داشت (Cirillo, et al., 1996).

در فاصلهٔ زمانی ۱۹۸۰- ۱۹۷۵ آثار زیادی از درمانگران خانواده درمانی منتشر گشت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

که حاوی این نکته بود که جوانان معتاد به مواد مخدر، تنها وابسته به مواد مخدر نبوده، بلکه به میزان بسیار وسیع‌تری به خانوادهٔ اصلی خویش وابسته می‌باشند. در این گونه خانواده‌ها غالباً نوعی واژگونی سلسله مراتب سنتی مشاهده می‌گردد. در این خانواده‌ها نوعی عدم امنیت به‌خاطر تبانی موجود بین افراد متعلق به نسل‌های گوناگون (مانند ائتلاف بین فرزند و مادربزرگ) موجود است که مانع نزدیکی و اشتراک بین زوجین (زن و شوهر) می‌گردد. پدران معتاد به مواد مخدر غالباً غایب و با گسست‌های عاطفی با فرزندان خویش توصیف می‌گردند، در حالی‌که مادران به‌صورت مبالغه‌آمیز فعال و پرتحرک، با گذشت و با نشانه‌های چسبندگی انگلی تشریح گشته‌اند. در تمامی تحقیقاتی که در این دوران صورت گرفته، اعتیاد به مواد مخدر غالباً به عنوان ایجاد توازن کاربردی در راستای استحکام روابط زناشویی تلقی گشته است. نظر غالب بیان‌گر این مطلب بوده که اعتیاد یک وسیلهٔ تنظیم‌کننده هموستاتیک در زندگی زناشویی والدین است که زن و شوهر را از توجه و پرداختن به مشکلات خویش باز می‌دارد. برای نمونه استانتون بر این نظر بود که «فرزند یک خانواده در دوران بلوغ قادر به تقبل عملکردی است که مانع بروز آشکار کشمکش‌های موجود بین والدین می‌گردد» (Stanton, 1979). بر طبق نظریهٔ فوق، فرد معتاد به دنبال حالت بیمارگونه‌ای است تا همانند یک کودک در کانون توجه افراد خانواده قرار گیرد. از این منظر اعتیاد فرزند به مواد مخدر، معنی و اهمیت عملکردی به‌خود خواهد گرفت؛ به‌عبارت دیگر اعتیاد نشان‌گر مقطعی خاص در یک مدار ارتباطی است که با ماهیت نظم‌دهندهٔ خویش تعادل موجود در خانواده را استحکام بخشیده است و بدین وسیله مانع جدایی پدر و مادر از یکدیگر خواهد گشت (Cirillo, et al., 1996).

غالباً دیده می‌شود که از میان چند کودک یک خانواده، یک نفر بزهکار می‌شود و این سوال مطرح می‌گردد که علت چیست؟ جواب این سوال ممکن است در خصومت ناخودآگاه پدر و مادر نسبت به یک کودک به‌خصوص، یا محبت و جانبداری نسبت به کودک دیگر باشد. از طرف دیگر وجود فشار و ناراحتی در خانواده و همچنین الگوهای ارتباطی ناکارآمد ارتباطی بین والدین و فرزندان، معمولاً نقش موثری در بزهکاری و اعتیاد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

کودک بازی می‌کند.

در این پژوهش ما می‌خواهیم چگونگی ارتباط و پیوند مادر ـ فرزند را با اعتیاد به مواد مخدر مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم و الگوی مد نظر ما چنین می‌باشد: «یک مادر، تحت شرایطِ به‌هم ریختگی عاطفی در یک ائتلاف علیه پدر، فرزندی را به سوی خود جذب می‌نماید». از همین رو در جستجوی نشانه‌هایی هستیم (مثلاً موقعیت فرزند در تعداد فرزندان کل خانواده) که زمینه‌ساز بستری مناسب جهت کاندیداتوری فرزندی مشخص و کسب چنین امتیاز کاذبی از مادر باشد. بنابراین ما به دنبال نقش رابطهٔ ولی ـ فرزندی[1] در اعتیاد فرزندان هستیم و معتقدیم که ارتباط والدین با فرزندان در این خانواده‌ها (خانواده‌هایی که دارای فرزند معتاد می‌باشند) با خانواده‌هایی که فرزند معتاد ندارند متفاوت است، یعنی امکان ائتلاف بین یکی از والدین با فرزند معتاد وجود دارد که فرزند معتاد نقش توازن را در ارتباط زن و شوهر بازی می‌کند و فرزند معتاد با اعتیاد خود به استحکام این رابطهٔ مختل و ناکارآمد کمک می‌کند.

۲) هدف کلی

هدف کلی پژوهش، بررسی کیفیت رابطهٔ والدین با فرزندان در نوجوانان پسر معتاد به مواد مخدر در مقایسه با نوجوانان پسر غیرمعتاد شهر تهران می‌باشد.

۳) فرضیات

۳-۱) فرضیهٔ اصلی

بین کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دچار اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد.

1. Parental- child relationship

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

۲-۳) فرضیه‌های فرعی

الف) بین کیفیت رابطهٔ نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دچار اعتیاد با پدر در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد.

ب) بین کیفیت رابطهٔ نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دچار اعتیاد با مادر در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد.

ج) بین کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان خانوادهٔ عادی تفاوت وجود ندارد.

د) بین کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان دارای اعتیاد تفاوت وجود ندارد.

۴) روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت آن، از نوع پس رویدادی یا علّی ـ مقایسه‌ای (مورد ـ شاهد) است. تحقیق پس رویدادی معمولاً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. به عبارت دیگر تحقیق علی ـ مقایسه‌ای (مورد ـ شاهد) گذشته‌نگر بوده و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی ببرد (دلاور، ۱۳۷۵). در این تحقیق رابطهٔ ولی ـ فرزندی در دو گروه نوجوانان پسر معتاد به مواد مخدر و نوجوانان پسر غیرمعتاد مورد مقایسه قرار می‌گیرد و رابطهٔ بین اعتیاد نوجوانان و کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی آن‌ها مشخص می‌شود. با توجه به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش، اعتیاد به عنوان متغییر وابسته و رابطهٔ ولی ـ فرزندی به عنوان متغییر مستقل در نظر گرفته شده است.

۱-۴) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

در این تحقیق، جامعهٔ آماری شامل کلیهٔ نوجوانان پسر مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران می‌باشد که در دامنهٔ سنی بین ۱۲ تا ۱۸ سال قرار دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

در این پژوهش تعداد نمونه ۶۰ نفر می‌باشد (۳۰ نفر نوجوان معتاد به مواد مخدر و ۳۰ نفر نوجوان غیرمعتاد به عنوان گروه گواه). روش نمونه‌گیری از نوع هدفدار است، به این ترتیب که پژوهشگر با مراجعه به مراکز درمان و ترک اعتیاد ۳۰ نفر نوجوان که در دامنهٔ سنی ۱۲ تا ۱۸ سال قرار داشتند و برای ترک به این مراکز مراجعه نموده را انتخاب و پرسش‌نامهٔ کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی را در اختیار آن‌ها قرار می‌داد. نوجوانان غیرمعتاد نیز که با توجه به متغیرهای چون سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی والدین، تعداد فرزندان و.... با گروه معتاد همتاسازی شده‌اند، انتخاب گردیدند.

۲-۴) ابزار انداز گیری

مقیاس رابطه ولی ـ فرزندی «یکی از آزمون‌های مداد-کاغذی و یک ابزار ۲۴ سوالی برای سنجیدن نظر جوانان درباره رابطه آنان با والدینشان است. پرسش‌نامه توسط مارک.ای فاین، مورلند و اندرو شوبل (Mark A. fine. Morelandand & Andrew schwebel) در سال ۱۹۸۳ با هدف سنجیدن کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزند تهیه شد. مقیاس رابطهٔ «ولی ـ فرزندی» دو فرم دارد. یکی برای سنجیدن رابطهٔ فرزند با پدر و یکی هم برای سنجیدن رابطهٔ فرزند با مادر. هر دو فرم مقیاس یکسان است، به جز این‌که کلمهٔ «پدر» و «مادر» عوض می‌شود. با این حال عوامل متفاوتی در فرم‌های مربوط به پدر و مادر بارز شده است. این عوامل برای پرسش‌نامهٔ پدر از این قرار است: عاطفهٔ مثبت، آمیزش پدرانه، ارتباط یا گفت و شنود و خشم؛ و عوامل پرسش‌نامهٔ مادر از این قرار است: عاطفه مثبت، سردرگمی نقش، همانندسازی و ارتباطی گفت و شنود (عراقی، ۱۳۸۴).

مقیاس رابطهٔ ولی ـ فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ از همسازی درونی عالی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹: ۱۰۹). پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نیز اعتبار و روایی پرسش‌نامه را تائید کرده است. در پژوهشی که پرهیزگار (۱۳۸۱) انجام داده است ضرایب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

پایایی محاسبه شده برای پرسش‌نامهٔ فرم پدر برابر با ۰/۹۳ بوده است و برای فرم مادر ۰/۹۲ که نشان‌دهندهٔ همسانی درونی خوبی است. در این پژوهش از فرم ۱۹ سوالی که توسط پرهیزگار در سال ۱۳۸۱ مورد استفاده قرار گرفته استفاده شده است.

۳-۴) روش آماری

روش‌های آماری که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارتند از آزمون کولموگروف ـ اسمیرنف برای بررسی نرمال یا غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون T استودنت برای مقایسهٔ دو میانگین مستقل و آزمون T برای مقایسهٔ دو میانگین وابسته.

۵) یافته‌ها

۵-۱) فرضیه اصلی

بین کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری t مستقل استفاده شده است، به این ترتیب که ابتدا میانگین هر گروه در تک تک خرده مقیاس‌های هر دو فرم محاسبه شد و سپس با استفاده از آزمون آماری t اختلاف نمرهٔ هر یک از گروه‌ها در هر خرده مقیاس مورد مقایسه قرار گرفت که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۱ ارائه شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

جدول ۱: نتایج آزمون t برای مقایسهٔ اختلاف میانگین های دو گروه در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی – فرزندی

متغیر	گروه	تعداد	تفاوت میانگین	T	درجهٔ آزادی df	سطح معناداری P
کیفیت رابطهٔ ولی فرزندی	نوجوانان عادی	۶۰	۳۴/۶۰	۷/۶۵	۱۱۸	۰/۰۱
	نوجوانان دارای اعتیاد	۶۰				
عاطفهٔ مثبت (مشترک در فرم پدر و مادر)	نوجوانان عادی	۶۰	۲۱/۴	۵/۲۹	۱۱۸	۰/۰۱
	نوجوانان دارای اعتیاد	۶۰				
ارتباط (مشترک در فرم پدر و مادر)	نوجوانان عادی	۶۰	۱۰/۲۳	۴/۴۳	۱۱۸	۰/۰۱
	نوجوانان دارای اعتیاد	۶۰				
آمیزش پدرانه (خاص فرم پدر)	نوجوانان عادی	۳۰	۲۰/۶	۷/۹۲	۵۸	۰/۰۱
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
خشم (خاص فرم پدر)	نوجوانان عادی	۳۰	۱/۳۳	۲/۳۰	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
سردرگمی نقش (خاص فرم مادر)	نوجوانان عادی	۳۰	-۱/۰۶	-۱/۹۱	۵۸	۰/۰۶
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
همانند سازی (خاص فرم مادر)	نوجوانان عادی	۳۰	۳/۰۶	۲/۳۲	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

چنان‌چه در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df برای مقایسهٔ کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی دو گروه نوجوانان عادی و دارای اعتیاد برابر با ۷/۶۵ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود، یعنی کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی نوجوانان عادی بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد.

در خرده مقیاس سردرگمیِ نقش که خاص فرم مادر می‌باشد t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df برابر ۱/۹۱- به‌دست آمد که در سطح P ≤ ۰/۰۵ معنادار نشد؛ یعنی تفاوت معناداری در خرده مقیاس سردرگمی نقش بین نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد مشاهده نشد.

در سایر خرده مقیاس‌ها این تفاوت برای دو گروه معنادار شد؛ بدین صورت که در این خرده مقیاس‌ها (عاطفهٔ مثبت، ارتباط، آمیزش پدرانه، خشم و همانندسازی) عملکرد نوجوانان عادی به گونهٔ معناداری بهتر از نوجوانان دارای اعتیاد بوده است.

۲-۵) فرضیه‌های فرعی

- **فرضیهٔ اول:** «بین کیفیت رابطه با پدر نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری t برای مقایسهٔ دو میانگین مستقل استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا میانگین هر گروه در تک تک خرده مقیاس‌های فرم کیفیت رابطه با پدرمحاسبه شده و سپس با استفاده از آزمون آماری t اختلاف نمرهٔ هر یک از گروه‌ها در هر خرده مقیاس مورد مقایسه قرار گرفت که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۲ ارائه شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

جدول ۲: نتایج آزمون t برای مقایسه اختلاف میانگین‌های دو گروه درکیفیت رابطه با پدر و خرده مقیاس‌های آن

متغیر	گروه	تعداد	تفاوت میانگین	T	درجهٔ آزادی df	سطح معناداری P
کیفیت رابطهٔ ولی فرزندی	نوجوانان عادی	۶۰	۴۶/۱۳	۷/۶۱	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۶۰				
عاطفهٔ مثبت	نوجوانان عادی	۳۰	۲۲/۴	۷/۵۸	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
آمیزش پدرانه	نوجوانان عادی	۳۰	۲۰/۶	۷/۹۲	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
ارتباط	نوجوانان عادی	۳۰	۹/۲۰	۶/۴۳	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
خشم	نوجوانان عادی	۳۰	۱/۳۳	۲/۳۰	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df برای مقایسهٔ کیفیت رابطه با پدر دو گروه نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد برابر با ۷/۶۱ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با پدر نوجوانان عادی بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df در تمام خرده مقیاس‌های فرم پدر نیز معنادار می‌باشد؛ یعنی عملکرد نوجوانان عادی به گونه معناداری بهتر از عملکرد نوجوانان دارای اعتیاد در خرده مقیاس‌های این فرم (عاطفهٔ مثبت، آمیزش پدرانه، ارتباط، و خشم) بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

– **فرضیهٔ دوم:** «بین کیفیت رابطه با مادر نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری t برای مقایسه دو میانگین مستقل استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا میانگین هر گروه در تک تک خرده مقیاس‌های فرم کیفیت رابطه با مادر محاسبه شده و سپس با استفاده از آزمون آماری t اختلاف نمرهٔ هر یک از گروه‌ها در هر خرده مقیاس مورد مقایسه قرار گرفت که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون t برای مقایسه اختلاف میانگین‌های دو گروه درکیفیت رابطه با مادر و خرده مقیاس‌های آن

متغیر	گروه	تعداد	تفاوت میانگین	T	درجهٔ آزادی df	سطح معناداری P
کیفیت رابطهٔ مادر فرزندی	نوجوانان عادی	۶۰	۲۳/۰۷	۳/۸۷	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۶۰				
عاطفهٔ مثبت	نوجوانان عادی	۳۰	۲۰/۵	۴/۴۸	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
سردرگمی نقش	نوجوانان عادی	۳۰	−۱/۰۷	−۱/۹۱	۵۸	۰/۰۶
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
همانند سازی	نوجوانان عادی	۳۰	۳/۰۷	۲/۳۲	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				
ارتباط	نوجوانان عادی	۳۰	۱۱/۳	۴/۶۴	۵۸	۰/۰۵
	نوجوانان دارای اعتیاد	۳۰				

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df برای مقایسهٔ کیفیت رابطه با مادر دو گروه نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد برابر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

با ۳/۸۷ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ > P معنی‌دار است. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با مادر نوجوانان عادی بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df در خرده مقیاس‌های (عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط) فرم مادر نیز معنادار می‌باشد. یعنی عملکرد نوجوانان عادی به گونه معناداری بهتر از عملکرد نوجوانان دارای اعتیاد در این خرده مقیاس‌ها است.

بین نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در خرده مقیاس سردرگمی نقش رابطهٔ معناداری مشاهده نشد؛ گرچه میزان سردرگمی نقش نوجوانان خانواده‌های عادی کمتر از نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد، اما این تفاوت از نظر آماری چندان چشمگیر نیست.

– **فرضیهٔ سوم:** «بین کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان خانواده عادی تفاوت وجود ندارد».

برای آزمون این فرضیه با توجه به این‌که هر دو فرم توسط یک آزمودنی پر شده است، از آزمون t برای مقایسهٔ میانگین دو نمونهٔ وابسته استفاده شد، به این ترتیب که میانگین کیفیت رابطه با پدر نوجوانان عادی با میانگین کیفیت رابطه با مادرشان با هم مقایسه شد. سپس با استفاده از آزمون آماری t میانگین دو گروه با هم مقایسه شد که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون t برای مقایسه اختلاف میانگین های کیفیت رابطه با پدر و مادر نوجوانان عادی

گروه‌ها	تفاوت میانگین‌ها	T وابسته	درجهٔ آزادی df	سطح معناداری P
کیفیت رابطهٔ نوجوانان عادی با پدر کیفیت رابطهٔ نوجوانان عادی با مادر	-۱/۸۷	-۱/۳۸	۲۹	۰/۱۸

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی df= ۲۹ برای مقایسهٔ میانگین کیفیت رابطهٔ پدر و مادر نوجوانان عادی برابر با ۱/۸۷- می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با پدر وکیفیت رابطه با مادر در نوجوانان عادی با هم تفاوت چشمگیر آماری ندارد، گرچه نوجوانان عادی با مادرشان ارتباط بهتری دارند، نسبت به پدر اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نمی‌باشد.

- **فرضیهٔ چهارم:** «بین کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان دارای اعتیاد تفاوت وجود ندارد».

برای آزمون این فرضیه با توجه به این‌که هر دو فرم توسط یک آزمودنی پر شده است، از آزمون t برای مقایسهٔ میانگین دو نمونهٔ وابسته استفاده شد، به این ترتیب که میانگین کیفیت رابطه با پدر نوجوانان دارای اعتیاد با میانگین کیفیت رابطه با مادرشان با هم مقایسه شد. سپس با استفاده از آزمون آماری t میانگین دو گروه با هم مقایسه شد که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون t برای مقایسه اختلاف میانگین‌های کیفیت رابطه با پدر و مادر نوجوانان دارای اعتیاد

گروه‌ها	تفاوت میانگین ها	T وابسته	درجهٔ آزادی df	سطح معناداری P
کیفیت رابطهٔ نوجوانان دارای اعتیاد با پدر کیفیت رابطهٔ نوجوانان دارای اعتیاد با مادر	-۲۴/۹۳	-۲/۹۱	۲۹	۰/۰۵

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی df= ۲۹ برای مقایسهٔ میانگین کیفیت رابطهٔ پدر و مادر نوجوانان دارای اعتیاد برابر با ۲/۹۱-

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش رد می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با پدر وکیفیت رابطه با مادر در نوجوانان دارای اعتیاد با هم تفاوت دارد و تفاضل منفی نشان می‌دهد که نوجوانان دارای اعتیاد به‌طور معنی‌داری رابطه با مادرشان بهتر از رابطه با پدرشان است.

۶) بحث و نتیجه‌گیری

– **فرضیهٔ اصلی:** «بین کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری t مستقل استفاده شده است. میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی df= ۵۸ برای مقایسهٔ کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی دو گروه نوجوانان عادی و دارای اعتیاد برابر با ۷/۶۵ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطهٔ ولی ـ فرزندی نوجوانان عادی بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد.

بررسی کاندول و اکوروز (۱۹۷۸) نشان می‌دهد که عواملی چون فقدان یا ناهمخوانی در اعمال نظم و انضباط از سوی والدین، فقدان ارتباط مستمر با کودک، شیوهٔ تربیتی استبدادی، الگوهای ارتباطی منفی (مانند انتقاد، متهم کردن، فقدان تضمین)، مرزهای مبهم برای رفتار و انتظارات والدین از فرزندان، ابهام در معیارهای رفتار صحیح، ضعف در نظارت بر رفتار، پاداش‌های کم یا ناهمخوان برای رفتار مطلوب و مجازات شدید برای رفتارهای نامطلوب از عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مصرف مواد مخدر در نوجوانان محسوب می‌شوند (پورشهباز، ۱۳۸۳).

پیوند و تعهد اندک به خانواده، تعاملات بین کودک و والدین مانند فقدان نزدیکی عاطفی و فقدان درگیر شدن مادر در فعالیت‌های کودک با آغاز مصرف مواد در کودکان رابطه دارد. به‌نظر می‌رسد این عدم دلبستگی و تعلق دو طرفه به درون‌سازی هنجارها لطمه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

زده و نوجوانان را در معرض خطر مصرف مواد مخدر قرار می‌دهد (پورشهباز، ۱۳۸۳).

تعارض‌ها و اختلافات خانوادگی و عواملی چون طلاق و جدایی والدین، بی‌ثباتی و ناهمخوانی والدین، تعارض و خشونت بین والدین سهم بسزایی را در گرایش به مصرف به مواد مخدر ایفا می‌کند. در این میان، اختلاف میان اعضای خانواده اهمیت بیشتری نسبت به ساختار خانوادگی در پیش‌بینی بزهکاری و مصرف مواد مخدر دارد. به‌طور کلی کودکانی که در خانواده‌های پر تعارض بزرگ می‌شوند در معرض خطر بیشتر مصرف و سوء مصرف مواد مخدر قرار دارند (Shedler & Block, 1990).

– **فرضیهٔ اول:** «بین کیفیت رابطه با پدر نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری t برای مقایسهٔ دو میانگین مستقل استفاده شده است. میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df برای مقایسهٔ کیفیت رابطه با پدر دو گروه نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد برابر با ۷/۶۱ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ > P معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با پدر نوجوانان عادی بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد. میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df در تمام خرده مقیاس‌های فرم پدر نیز معنادار می‌باشد؛ یعنی عملکرد نوجوانان عادی به گونه معناداری بهتر از عملکرد نوجوانان دارای اعتیاد در خرده مقیاس‌های این فرم (عاطفهٔ مثبت، آمیزش پدرانه، ارتباط، و خشم) بوده است.

بوگن اشنایدر (Bogenschneider, 1994) معتقد است که آموزش مهارت‌های فرزند پروری به والدین نوجوان مصرف‌کنندهٔ مواد، سبب افزایش مهارت‌های مقابله‌ای والدین می‌شود و تقویت عملکرد خانواده و روابط خانوادگی، قطع مصرف حشیش در نوجوانان را به دنبال دارد.

در حوزهٔ روابط والد ـ نوجوان، استیزبرگ (۱۹۸۸–۱۹۸۱). و استینبرگ و هیل (۱۹۷۸) نشان داده‌اند که با رشد یافتگی بلوغ، فاصلهٔ عاطفی بین نوجوان و والدین آن‌ها افزایش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

می‌یابد. پسرها بیشتر تمایل دارند که حرف‌های منطقی والدین را قطع کنند تا عقاید خودشان را بیان کنند، تعارض دخترها با مادر بیشتر در مورد امور عادی و روزمره صورت می‌گیرد (شفر۱۹۹۳؛ به نقل از برجعلی، ۱۳۸۰). سلنو (Selnow, 1987) یک بررسی پرسش‌نامه‌ای با دو گروه که بالغ بر ۳۰۰۰ نفر می‌شدند انجام داد تا به اهمیت روابط بین فرزندان و والدین پی‌ببرند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که مصرف مواد مخدر در خانواده‌هایی که تنها دارای یکی از والدین بودند (به‌ویژه پدرانی که به تنهایی مسئولیت تربیت فرزندان را به عهده داشتند) به مراتب بیشتر بروز نموده، در حالی‌که در خانواده‌های رضایت بخش و صمیمی، اعتیاد به مواد مخدر با احتمال کمتری حادث می‌گردد.

پیوند ضعیف کودک ـ والد با احتمال مصرف مواد ارتباط دارد و اهمیت این پیوند در خانواده‌های مهاجر بیشتر است. پویایی‌های مثبت خانوادگی با برقراری پیوند مثبت میان اعضای خانواده ارتباط دارد و روابط نزدیک متقابل و تقویت‌کنندهٔ کودک و والدین با کم شدن احتمال مصرف مواد در ارتباط است (کلانتری،۱۳۸۰).

– **فرضیهٔ دوم:** «بین کیفیت رابطه با مادر نوجوانان خانواده‌های عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در هر یک از ابعاد رابطهٔ ولی ـ فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد».

برای آزمون این فرضیه از آزمون آماری t برای مقایسه دو میانگین مستقل استفاده شده است. میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df برای مقایسهٔ کیفیت رابطه با مادر دو گروه نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد برابر با ۳/۸۷ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ > P معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با مادر نوجوانان عادی بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد. میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی ۵۸ =df در خرده مقیاس‌های (عاطفهٔ مثبت، همانندسازی و ارتباط) فرم مادر نیز معنادار می‌باشد؛ یعنی عملکرد نوجوانان عادی به گونهٔ معناداری بهتر از عملکرد نوجوانان دارای اعتیاد در این خرده مقیاس‌ها می‌باشد.

بین نوجوانان عادی و نوجوانان دارای اعتیاد در خرده مقیاس سردرگمی نقش، رابطهٔ معناداری مشاهده نشد. گرچه میزان سردرگمی نقش نوجوانان خانواده‌های عادی کمتر از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

نوجوانان دارای اعتیاد می‌باشد، اما این تفاوت از نظر آماری چندان چشمگیر نیست.

مهارت‌های ضعیف فرزندپروری، تشدید رفتارهای ضد اجتماعی را در دورهٔ کودکی و نوجوانی به همراه دارد و پیش‌بینی‌کننده مصرف مواد در دورهٔ نوجوانی است. مصرف مواد در دورهٔ کودکی با فقدان و یا بی‌ثباتی نظم و انضباط ارائه شده از سوی والدین قابل پیش‌بینی است، در حالی‌که استفاده از روش‌های انضباطی و مشخص نمودن مرزها و محدودیت‌ها و همچنین ارائهٔ پاداش به رفتارهای مثبت، با کاهش مصرف مواد در ارتباط است (طارمیان، ۱۳۸۳).

– **فرضیهٔ سوم:** «بین کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان خانوادهٔ عادی تفاوت وجود ندارد».

برای آزمون این فرضیه با توجه به این‌که هر دو فرم توسط یک آزمودنی پر شده است از آزمون t برای مقایسهٔ میانگین دو نمونهٔ وابسته استفاده شد. میزان t محاسبه شده با درجهٔ آزادی df= ۲۹ برای مقایسهٔ میانگین کیفیت رابطهٔ پدر و مادر نوجوانان عادی برابر با ۱/۸۷– می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش تائید می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان عادی با هم تفاوت چشمگیر آماری ندارد. گرچه نوجوانان عادی با مادرشان ارتباط بهتری نسبت به پدر دارند اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نمی‌باشد.

همان‌طور که پژوهش‌های پرهیزگار (۱۳۸۱) و عراقی (۱۳۸۴) نیز نشان داده است، در خانواده‌های عادی، هر دو والد با فرزند ارتباط مناسب دارند؛ گرچه به دلیل ساخت خانواده در کشور ما و نقش پدر که بیشتر از مادر بیرون از خانه کار می‌کند فرزندان ارتباط بیشتر و مناسب‌تری را با مادر نشان دادند.

– **فرضیهٔ چهارم:** «بین کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان دارای اعتیاد تفاوت وجود ندارد».

برای آزمون این فرضیه با توجه به این‌که هر دو فرم توسط یک آزمودنی پر شده است از آزمون t برای مقایسهٔ میانگین دو نمونهٔ وابسته استفاده شد. میزان t محاسبه شده با درجهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

آزادی df= ۲۹ برای مقایسهٔ میانگین کیفیت رابطهٔ پدر و مادر نوجوانان دارای اعتیاد برابر با ۲/۹۱- می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح P < ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیهٔ پژوهش رد می‌شود؛ یعنی کیفیت رابطه با پدر و کیفیت رابطه با مادر در نوجوانان دارای اعتیاد با هم تفاوت دارد و تفاضل منفی نشان می دهد که نوجوانانِ دارای اعتیاد به طور معنی‌داری رابطه با مادرشان بهتر از رابطه با پدرشان است.

می‌توان گفت که این فرضیه (با توجه به این که در خانواده‌های عادی فرزندان با هر دو والد ارتباط مناسبی داشتند) می‌تواند بیراهه روی را در روابط زن و شوهری نشان دهد؛ یعنی یک ائتلاف بین مادر و پسر جهت مقابله با پدر صورت گرفته باشد. همان‌گونه که استانتون (Stanton, 1979) ذکر می‌کند، اعتیاد ابزاری است جهت باز گرداندن روابط اعضای خانواده به حالت تعادل. یک فرزند معتاد با بروز رفتارهای بیمارگونه (در این‌جا اعتیاد) مانع از جلوه‌گر شدن روابط منفصل والدین می‌گردد، چرا که او در مرکز توجه قرار می‌گیرد و به عبارتی از والدین می‌خواهد که مسئولیت بیشتری را در حوزهٔ نقش والدینی خود به عهده بگیرند. اما به مجردِ تحت کنترل در آمدنِ اعتیاد، مشکلات بین والدین ظهور می‌نماید. در حقیقت فرزند وظیفهٔ تنظیم روابط و ایجاد تعادل را به دست می‌گیرد (Cirillo, et al., 1996).

اصلاحات تربیتی نخست باید از خانواده آغاز شود چون هیچ عاملی به اندازهٔ والدین نمی‌تواند در این امر موثر باشد. خودداری و یا سهل‌انگاری آنان در این امر نابسامانی و ناسازگاری را در کودکان بیشتر خواهد کرد. یکی از عوامل مهم آسیب‌پذیری و یا آسیب‌ناپذیری بر فرزندان، رابطهٔ بین والدین و فرزندان است. زمانی که بین والدین عشق حکم فرما باشد، یا زمانی که محیط خانه گرم و باصفا باشد و بچه‌ها احساس کنند که کلیهٔ تلاش‌های والدین در زندگی آن‌ها نقش دارد، اثر آن نیز خوشبختی فرزندان می باشد؛ در نتیجه خانواده‌هایی در امر اصلاح و تربیت جوانان خود موفق هستند که بتوانند محیطی آرام و با ثبات برای جوانان خود بسازند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع

References

- استفانو، چیریلو و همکاران. (۱۳۷۹)، **اعتیاد در آیینه روابط خانوادگی** (ترجمهٔ پیرمرادی)، اصفهان، نشر همام.
- برجعلی، احمد. (۱۳۸۰)، **تحول شخصیت در نوجوان**، انتشارات ورای دانش.
- پرهیزکار، آزردخت. (۱۳۸۱)، **مقایسه کیفیت رابطه ولی ـ فرزندی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- پورشهباز، عباس. (۱۳۸۳)، **بررسی روابط ساختاری عوامل روانشناختی خطرزا و حفاظت‌کننده مصرف مواد مخدر**، پایان‌نامه دکتری روانشناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ثنایی، باقر. (۱۳۷۹)، **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**، تهران، انتشارات بعثت.
- دلاور، علی. (۱۳۷۵)، **احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی**، تهران، انتشارات رشد.
- طارمیان، فرهاد. (۱۳۸۳)، **عوامل پیش بین روانی/ اجتماعی مصرف مواد مخدر در نوجوانان**، پایان‌نامه دکتری روانشناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- عراقی، یحیی. (۱۳۸۴)، **بررسی کیفیت رابطه ولی ـ فرزندی در نوجوانان پرخاشگر و عادی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی توانبخشی.
- کلانتری، افسانه. (۱۳۸۰)، **مقایسه عملکرد خانواده‌های دارای معتاد و غیرمعتاد شهرستان سنندج**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- Bogenschneider, K. (1994), **Risk Factors for Alcohol and Drug Use/ Abuse Prevention**, University of Wisconsine-Madison.
- Shedler, J. & Block, J. (1990), **Adolescent Drug Use and Psychological Health, American Psychologist**, 45, 612-630.
- Selnow, G. W. (1987), **Parent-Child Relationships and Single and Two Parents Familis: Implications for Substances Usage**, Journal of Drug Education, 17.
- Stanton, M. D. (1979), **Strategic Approahes to Family Therapy**, A . S.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]